

مردم متشکل همه چیز؛ مردم متفرق هیچ چیز!

آنچه در لنگرود بعنوان یک تجربه دیده شد و به بارنشست!

امیر جواهری لنگرودی

سنت ایجاد "کمیته‌های محلات" در مقاطع گوناگون و مشارکت دادن و خود یاری در مردم لنگرود همواره وجود داشته است. که بازپرداختن به یکایک آن تجربه‌ها را که جوانان هر محل نقش تعیین کننده و بسزایی در آن داشته و دارند به وقت دیگری وا می‌گذاریم.

اینبار شیوع بیماری کرونا و پخشش در شهر به دلیل بی توجهی حاکمان و مسئولین بی کفایت شهری، چنان وسعتی به خود گرفت که بار دیگر جوانان با تجربه شهر لنگرود آستین بالا زدند و همگام شدند تا اندکی فشارهای وارده بر کادر زحمتکش درمانی «بیمارستان امینی» یگانه بیمارستان شهر را کاسته و به آنان یاری رسانند. این بیمارستان تا حال ۱۲۰ نفر را در خود جای داده است :



مانند دفعات پیشین، جرعه این همیاری را "کافه لنگرودی" ها زد. دوستان هم عهد این کافه برآن بودند و طی یادداشتی اهالی پست فیس بوکی کافه و روابط پیرامونی‌شان را مخاطب قرار دادند و نوشتند: «امید به سلامت بودن تک تک دوستان در این روزهای سخت و جانکاه؛ تنها امید باقی مانده همفکری و یاری رساندن به همدیگر است. تصور عمق فاجعه برای همه ممکن است قابل درک نباشد چون در میدان فاجعه قرار ندارید، ولی ما که از نزدیک شاهد بسیاری از مشکلات و نارسایی‌ها و آن‌هم بر اثر ناکارآمدی‌ها و تبلیغات بیهوده که هم در اثر تحجر نصیب ملت شده بسادگی از بین رفتنی نیست. اکنون در حال اقداماتی هستند که باید زودتر انجام می‌گرفت ولی هنوز هم دیر نیست، ماهی را هر وقت از آب بگیرید تازه است ما خود باید پیشگام حل مشکلات ایجاد شده باشیم. پس همگام شویم تا اندکی از فشارهای وارده بر گروه درمانی زحمتکش بکاهیم؛ همراهی و همیاری و هر نوع کمک شما می‌تواند اندکی از رنج‌های حاصل جامعه بکاهد. من کسی نیستم که توصیه کنم ولی خواهش دارم در این روزهای سخت یاور هم باشیم.»

آنگاه که آدمی چنین همت و فرزاندگی جمعی را در برابر ناکارآمدی دولت و حاکمیت سیاسی کشور و در سطح شهرستان یا بی عملی لاهوتی، عضو ورشکسته مجلس شورای اسلامی از لنگرود، شهردار، رئیس شورای شهر، فرماندار و معاون سیاسی-امنیتی‌اش، و حتی مدیر مرکز بهداشت شهرستان می‌بیند درمی‌یابد که تنها این جوانان جسور و خوش فکر و مردم دوست شهرند که با تکیه بر خود مدیریتی و خودگردان، می‌توانند به یاری هم بشتابند و در این پویش وسیع و عظیم اجتماعی شرکت کنند.

من که از فرسنگ‌ها راه به این خویشتنداری و تحول طلبی جوانان می‌نگرم و همگامی و همیاری آنان را می‌بینم، در دل خیل خبرهای بس اسفبار، همواره مشعوف و خوشحال می‌شوم.

این جمع بر خود نام «کار گروه سفیران زندگی به بیمارستان امینی» که از مدتی پیش به یگانه محل جا به جایی بیماران کرونایی بدل شده و من تا به امروز طی یادداشت هایی چند، وضعیت آنجا را در پستم تشریح کرده ام، نهاده‌اند.



امروز در سطح شبکه‌های مجازی این خبر بازتاب یافته است: «در این میان نظام پرستاری شرق گیلان فراخوان داد بیمارستان‌ها به ماسک، لباس و تجهیزات حفاظتی نیاز فوری دارند و از مردم درخواست کمک کرد». در دل این فراخوان، جوانان هوشیار و مسئول لنگرودی با ایجاد «کارگروه همیاری» به جمع آوری پول از خود مردم شریف شهر برای خرید وسایل لازم و ضروری از قبیل: دستکش، ژل و بطری‌های آب اقدام کرده‌اند. این عمل سریع ایجاد «کار گروه سفیران زندگی به بیمارستان امینی» و کارکرد مثبت آن به دور از شحنه و شیخ، نشان داد که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های مستقل مردم و ساکنین شهری که ذینفعان واقعی آنند بهره گرفت و یاری رسان مردم در این شرایط دشوار بود.



آنچه تا به امروز بازتاب یافته ، نشان می‌دهد که مردم در برخی شهرها و نقاط روستایی به شکل خود جوش و با بهره گیری از تجربیات خود مدیریتی دوران‌های سخت را پشت سر گذاشته؛ امکانات و منابع برای تهیه گان و ماسک و دستکش و...، آنهم از بازار سیاهی که دلالتان سپاه و عوامل خود ساخته آنها که در گسترش این ویرانی سهم اند، ایجاد کرده‌اند، فراهم می‌کنند.



قابل ذکر است که در دل گزارشات محلی شهر لنگرود بسیاری از مردم معترفند که پرستاران و کارکنان بیمارستان امینی، برای دسترسی به امکانات ساده اولیه مثل دستکش یکبار مصرف هم مشکلات جدی دارند.



حالا گزارش‌های بیشتر و متفاوتی، منتشر می‌شود که نشان می‌دهد شرایط افراد پدید تبلیغات نهادهای امنیتی حکومت تحت عنوان «سربازان سلامت» و در خط مقدم مطرح می‌شوند هم تاریخ مصرف دارند. حکومت این سربازان را بی تفنگ رها کرده است. آیا جنگ بی اسلحه و فرستادن افراد روی مین قرار است چون دوباره تاریخ تکرار شود؟! تا حکومتیان نشان افتخار بعدی را نصیب خود نمایند.

امافارغ از آن تبلیغات مبتذل و پوچ، آنچه اهمیت دارد گسترش «کارگروه(ها)» و «کمیته‌های محلات» در سطح شهرستان لنگرود و روستاهای اطراف آن است تا به یاری مردمی که در سنین بالا امکان بهره گیری از خدمات بهداشتی متمرکز در بیمارستان مرکز شهر را ندارند، بر خیزند و در سم پاشی و نظافت عمومی محلات و حتی خرید ارزاق عمومی برای آنان یاری رسان باشند.

آخرین نکته؛ دوری گزینی از ایجاد تفرقه، دو دستی، رعایت کامل بهداشت و سلامتی اعضای کارگروه‌ها، سرویس رسانی مسئولانه به مردم کوچه و محله، مردم نجیب و مظلومی که ممکن است از

نیازشان چیزی نگویند، اما امروز سخت نیازمندند؛ نه صاحبان قدرت و ثروت و مال اندوزان و شکم چران‌های وابسته به حکومت و نهادهای نظامی و امنیتی.

باید اضافه کنم؛ چه حد دلگرم کننده است حضور این انسان‌های شریف که مهربانی و عشق را به وقت نداری با آدم تقسم می‌کنند. جامعه شهری ما باید سعادت‌مند جلوه نماید که اینگونه جوانان را در خود پرورانده است که در چنین هنگامه‌ی نا بهنگامی درب یکایک خانه‌ها را به صدا در می‌آورند و به نیازمندی‌های مردم پاسخ مثبت می‌دهند... چنین جامعه‌ای در برابر سردمداران غیر مسئولش همواره سرفراز باقی می‌ماند. درود بر آنانی که اینگونه عشق و دوستی را بر جامعه ما در برابر بیداد زمانه ارزانی می‌دارند

باید آوای بلند و سرفراز این «کار گروه‌ها» و «کمپته‌های محلات» را شعار راه خود قرار دهیم و با به‌دست گرفتن ابتکار عمل و خود مدیریتی، در هر شهرستان و استان دیگر کشورمان به ایجاد آن همت گماریم!

شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۸ برابر با ۰۷ مارس ۲۰۲۰